



بدخشان نیازمند تشکیل واحد های اداری جدید است

نوشته: سارنوال باز محمد انوری

۵ می ۲۰۱۵



نام پرآوازه بدخشان برای همه ی مردم افغانستان و بویژه برای ساکنان سراسر این ولایت همچون گهواره فرهنگ ، سرزمین تاریخی نیاکان ، طبیعت دل انگیز ، ثروت های زیر زمینی پربار، مباحث آفرین ، عزیز و مورد احترام است . طرح انکشاف تقسیمات اداری این ولایت به دو ولایت دیگر به نام ولایت پامیر و ولایت

درواز که در دیگر ولایات کشور عزیز ما افغانستان به کرات صورت گرفته پدیده تازه ای نمیشد. مضمون این طرح به منظور ایجاد ارگانهای دولتی در قدمه های بلند مسؤلیت کاری ، تشکیلات های دفاعی و امنیتی جهت بهبود هرچه بهتر امنیت

مناطق سرحدی، رفع عقب ماندگی رنج آور و طاقت فرسای مردم ولسوالیهای سرحدی بدخشان بوده به هیچوجه به اتحاد و مناسبات برادرانه مردمان این سرزمین و عموم مردم با شهادت افغانستان ذره ای خلل نمی آورد. به همه برادران بدخشانی، مردم افغانستان و دنیا معلوم است که ولسوالی های سرحدی بدخشان در شرایط قرون وسطائی زندگی دارند، بسیاری از قریه جات این ولسوالی ها گذشته از اینکه از برق، سرک و مکتب و کلینک صحتی و دیگر ضروریات تمدن و شرایط مدنی محروم اند، انسانهای اغلب دور دست این مناطق مخصوصن زنان در تمام عمر روی داکتر یا نرس را ندیده و حتا از یک تابلیت ادویه استفاده ننموده زندگی را پدرو میگویند. مامورین بویژه معلمین ولسوالی های سرحدی در تمام دوره خدمت بعد از شش ما و گاهی حتا یکسال معاش کار و زحمت شانرا گرفته نمیتوانند. شرایط زندگی درین مناطق روز تاروز نسبت تصاعد سطح فقر، ازدیاد بیکاری و شیوع مواد مخدر، ترافیک و قاچاق آن، فساد اداری بدتر شده میرود، دوایر دولتی و مقام ولایت بدخشان با آنکه در دیگر واحد های اداری هم در طول تاریخ ایجادشوی این ولایت دستاوردی قابل حسابی نداشته اند ولسوالی های سرحدی را همچون انگشت ششم در نظر دارند. بعد از استقرار حکومت مجاهدین تاکنون عادی ترین کارمند حتا ملازم در سطح ادارات حکومتی دفاتر ولایتی از مردمان واخان، اشکاشم، شغنان، زیباک، درواز، شکی، کوف آب، منجان، یمگان و خواهان وجود ندارد. این مردم نیز هیچ امیدی برای بهبود زندگی شان ازین ادارات مرکز ولایت شان ندارند، نبود سرک و راه های مناسب ترانسپورتی موثر رو، رفت و آمد به مرکز ولایت را دشوار و این فاصله که از اغلب نقاط ولایت با پای پیاده انجام میشود روز های بالا تر از پانزده روز را در بر میگیرد، از جهتی مردم ولسوالیهای سرحدی معارف دوست، بی تعصب و تمدن پذیر اند، کنترول بیمورد تعصب آلود و غیر معمول اکثر مقامات دولتی ولایت، ارگانهای دولتی ولسوالیهای سرحدی را از ابتکار های ارزنده بازداشته سبب عقب ماندگی امور میشوند این امر مخصوصن برای معارف، اطلاعات و فرهنگ صدمه های بزرگی وارد آورده است، همچنان عدم تخصیص بودجه های انکشافی به این مناطق به خاطر بهبود وضع زندگی، رشد و انکشاف معارف، صحت عامه و برنامه های انکشاف زراعت و مالداری، صنایع محلی، برق، خطوط مواصلاتی و ترانسپورتی و دیگر بخش های مهم زندگی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی، سبب شده تا این مردم پیوسته در نا امیدی بسر برند. یگانه راه آبرومند برون رفت ازین شرایط دست و پاگیر به این مردم لازم است تا سرنوشت مردم این ولسوالی ها بدست خود شان سپاریده شود و ولایت بدخشان در محدوده ای

ولسوالیهای واخان ، زیباک ، اشکاشم ، شغنان به شمول قریه جات شیوه که خلاف اراده این مردم از بدنه شغنان جدا ساخته شده اند به نام ولایت پامیر و ولسوالیهای خواهان ، کوف آب ، نسی و شکی بنام ولایت درواز در تشکیلات حکومت افغانستان گنجانیده شده برای این دو ولایت جدید تأسیس تخصیص بودجه انکشافی بطور جداگانه داده شود تا مستقلانه نظر به شرایط دشوار محیطی ، خود شان برنامه ریزی نموده برای اعتلای این سرزمین های فوق العاده کوهستانی و سخت گذر کار و فعالیت نمایند .

قابل یاد آوریست که در سالهای پیش و نه چندان دور در اثر رقابت های زورمندان حاکم بر سرنوشت مردم بدخشان که خواستند برای حاکمیت شان ادارات مستقلی داشته باشند ، طرح تقسیمات ولایت بدخشان به دو بخش اداره ولایتی به نام های بدخشان شرقی با مرکزیت شهر بهارک و بدخشان غربی به مرکزیت فیض آباد که در کنار هم قرار دارند در دست اجرائی شدن قرار داشت که خوشبختانه این طرح بنا به کشمکش های درونی این زورمندان عملی ساخته نشد. به نظر ما برای تعیین سرنوشت مردم ولسوالیهای سرحدی در تغیر مرکز ولایت به بهارک و یا فیض آباد دردی دوا نمیگردد ، زیرا شهر فیض آباد و شهر بهارک در فاصله نه چندان دور از هم قرار دارند و برای مراجعه مردم مناطق سرحدی به مرکز ولایت یعنی در رفتن به بهارک یا فیض آباد تفاوت چندانی ایجاد نمی نماید ، البته در حکومت های گذشته به منظور موقعیت مناسب و وسعت مناسب و طبیعت فوق العاده زیبای ، شهر بهارک برای ساختن شهر متمدن و حاضره زمان که موافقت کامل دارد و در گذشته های تاریخی نیز با گواهی اسناد و آثار تاریخی به حیث یکی از شهرهای بزرگ دوران حاکمیت اسلاف یونانیان بوده که در نتیجه هجوم نیروهای اجنبی نابود شده است. برنامه های انتقال مرکز ولایت بدخشان از فیض آباد به شهر بهارک یا بهارستان روی دست گرفته شده بود ولی در اثر نفوذ متنفذین شهر فیض آباد در حکومت های وقت ، مخالفت آنها در انجام این پروژه و بعضن مشکلات گوناگونی که گریبانگیر حکومت های گذشته بود ، این برنامه عملی شده نتوانست . اما مردم ولسوالی های سرحدی در خصوص ایجاد شوی تشکیل ولایات درین مناطقی از کشور ، طرح هائی را در گذشته داشته بودند که بعضن با مخالفت هائی درین راستا مواجه شده بود. باید گفت که علاوه بر مخالفت های داخلی ، برای جلوگیری و اخلال این طرح ، بعضن تبلیغاتی پیرامون آن براه انداخته شد و به آن انگیزه سیاسی دیگری را ضمیمه ساختند که گویا آقا خان چهارم پیشواری

روحانی اسماعیلیان در صدد ایجاد دولت مستقل اسماعیلی در مناطق اسماعیلیه نشین پامیر است!

نخست این افترا کننده گان باید بدانند که درین حوزه جغرافیائی ، اسماعیلیان در جغرافیای تحت حاکمیت دولت های مقتدر جهانی همچون جمهوری توده ای چین ، هندوستان ، پاکستان ، تاجیکستان تحت قیمومیت دولت فدراتیف روسیه و حکومت افغانستان بعد از عقد پیمان مشترک دفاعی تحت قیمومیت ایالات متحده امریکا قرار دارند ، برای تشکیل چنین حکومتی روشن است که هیچ یکی ازین کشور هیچگونه علاقه ای ندارند و همچنان با عکس العمل شدید مخالفت خواهند نمود. به نظر ما مقام امامت اسماعیلی و اسماعیلیان جهان در هیچ شرایطی مخصوصن در شرایط موجود جهانی درین منطقه پر از آشوب و تعصبات سیاسی ، دینی و رقابت های قدرت های جهانی ، هیچ دلیل و ضرورتی برای توجیه تشکیل چنین حکومتی نمی بینند و به آن هیچگونه نیازی هم ندارند. و از جهتی انجام چنین کاری در هیچ سرزمینی در سراسر جهان در برنامه استراتژیک امامت اسماعیلی نبوده و انجام آنرا غیر لازمی ، غیر ضروری و هم خلاف اوضاع و احوال کنونی افغانستان ، منطقه و جهان می دانند. لازم به ذکر است که اسماعیلیان عمومن هیچگونه نییتی و اقدامی در ترویج آئین و کیش اسماعیلی ، جلب و جذب همکیشان جدید در جوامع مختلف دنیا نداشته و ندارند. تجربه نشان داده و هموطنان ما بطور عینی شاهد اند که شبکه های امداد رسانی و انکشافی بنیاد آقاخان ، رهبر اسماعیلیان جهان مساعدت های انکشافی و بشر دوستانه شانرا بدون در نظر داشت دین ، مذهب ، نژاد ، زبان ، قوم و ملت در یک کلام بدون تعصب به همه ی مردم به ویژه امت مسلمه یکسان داشته و همچنان جانبدار طرز دید سکولاریستی میباشند ، به نظر ایشان مداخله دین در دولت و عکس آن به سود سیاست و منافع ملی ملتها نمیباشد و هرکدام یعنی دین و دولت بانیستی در موقف خود برای ارتقای زندگی مادی و معنوی انسانها ، صلح و آرامش و همزیستی باهمی انسانها در داخل کشور های خود صرف نظر از اعتقادات و جانبداری های سیاسی و عقیدتی شان مصدر خدمات انسانی شوند. برین مبنا ادارات امامتی اسماعیلی در سراسر جهان تاکنون بوجه احسن در تفاهم با دولت ها ، همه برنامه شانرا به شمول امریکا ، کانادا ، اروپا ، افریقا و آسیا که بیش از بیست میلیون پیرو این عقیده اند به خوبی و با مؤفقیعت طرح ریزی و عملی نموده و در آینده نیز خواهند نمود . باید گفت که مقام رهبری امامت اسماعیلی روابط خود را با تمام اسماعیلیان جهان از کانالهای رسمی حکومتی تنظیم و تشکیل ادارات امامتی و مساعدت های بشر دوستانه و انکشافی

خود را نیز از مجرا های رسمی و حکومتی برنامه ریزی مینماید و شخص امام اسماعیلی تمام برنامه های سفری ، بازدید ها و ملاقات های تشریفاتی اش را با مریدان اسماعیلی در سراسر دنیا با تفاهم دول متهابه و به دعوت سران حکومتی هر یک از کشور های جهان انجام میدهد و بدینترتیب ضرورت به ایجاد دولت بر بنیاد دین و تعصبات عقیدتی که خلاف بینش تاریخی امامت است در هیچ نقطه دنیا قابل پسند نبوده و بر خلاف موازین قوانین منشور ملل متحد است حرفی نا بجا و تبلیغاتی بی پایه میباشد .

اما باید گفت که منظور از انکشاف ولایت بدخشان به دو ولایت پامیر و درواز نیاز مردم محروم و رنجدیده این مناطق است و باین شیوه مردم بدخشان عزیز ما امکانات بهتر زمینه های رشد و انکشاف اقتصادی ، فرهنگی و امنیتی بهتری را در بسط و توسعه بودجه های انکشافی دولت ، جلب سرمایه گذاری ها و ابتکارات ارزنده کادر های محلی نصیب شده در اوضاع سیاسی کشور از تأثیر پذیری برتری برخوردار شده میتوانند و انتظار داریم برادران بدخشانی ما مخصوصن روشنفکران و نخبگان سیاسی علما و روحانیون و همه ی مردم ازین امر که به سود برادران شان است پشتیبانی نمایند. مسلم است که شاید چنین پیشنهاد به مذاق تعدادی بنا به عواملی همخوانی نکند ، اما اینگونه اشخاص باید در نظر داشته باشند که تاکنون تعدادی از ولایت های بزرگ کشور ما نظیر ولایت مشرقی که فعلن به ولایات ننگرهار ، لغمان ، کنر ، نورستان و یا پکتیا که به ولایات پکتیا ، خوست و پکتیکا تقسیمات یافتند در پیوند برادرانه مردمان این سرزمین کدام تغییری رونما نگردیده است بلکه هرکدام ازین ولایات هم اکنون دارای بودجه های انکشافی و بر پایه آن برنامه های انکشافی مربوط به خود اند و همچنان از امتیازات سیاسی خود در دولت افغانستان نیز مستفید میشوند که برای شان بمراتب سهولت آفرین از گذشته ها شده است ، تقاضا و به کرسی نشاندن این پیشنهاد به سعی و پشت کار مردمان این سرزمین ، به وکلای محترم شان و به تلاش روشنفکران این سرزمین وابستگی دارد که با جمع آوری امضا در جهت توضیح اراده ، پشتیبانی و موافقه همه ی مردم این مناطق ، طرح این پیشنهاد را به اذهان و دسترس مقامات مسئول رهبری دولت افغانستان رسانیده از سلسله ای مراجع قانونی در حکومت و پارلمان کشور به کرسی نشانند .

با آرزوی پیروزی های مزید .